

برای این که به طریق خود ایمان داشته باشیم لازم نیست
تا ثابت کنیم که طریق دیگران نا درست است.
کسی که چنین می پندارد به گامهای خود نیز ایمان ندارد.
(پائولو کولتلیو)

با سلام خدمت مسئولین محترم چشم انداز جوان،

در رابطه با جوابهای من به هشت سوال شما راجع به بهائیان بحث بین ما شروع شد. ولی در رابطه با
جوابهای من تا کنون مطلبی ننوشته اید.

و اما در رابطه با ایمیل ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ شما، مطالب زیر را جهت اطلاع شما می نویسم.

۱ - در جواب مطلب «در کجای وبلاگ ما تبلیغ اسلام». اگر شما قصد نشان دادن ماست شیرین تر
خود را ندارید چه کار با بهائی ها دارید؟ چرا آقای مسیح الله رحمانی را نشان می دهید؟ آیا می دانید چند
نفر ایرانی شیعه مسیحی شده و مقام کشیشی هم رسیدند؟ یکی دو نفر از آنها را هم معرفی کنید و
بپرسید چرا از اسلام عزیز برگشته و مجوسی شده اند؟

۲ - شما می نویسید: «قصد و نیت ما اطلاع رسانی به فارسی زبانان سراسر عالم در زمینه یک فرقه
منحرف است.» شما باید اول بگوئید معیار شما چیست و بهائیت انحراف از چیست؟ این مسئله را
روشن کنید تا ببینیم آیا انحرافی در کار هست یا نه؟ بعضی اوقات انحراف خیلی هم مفید است. اگر یک
گروهی از یک گروه دزد و آدم کش انحراف کند و به صداقت و انسانیت روی آورد آیا کار خوبی
نیست؟

۳ - راجع به «لائیک». آیا شما می دانید «لائیک» به چه کسی می گویند؟

۴ - کار اوهام زدائی نه تبلیغ بلکه دفاع از حقوق انسانی هموطنان بهائی است که در طول ۱۶۰ سال
گذشته نسبت به آنها، روحانیون شیعه و مریدان نا آگاه آنان جفا فراوان کرده اند. شما در همه مقالات
اوهام زدائی غیر از این چیزی نمی بینید.

۵ - شما علماء را بی عقل می دانید و می نویسید: «اگر علما عقل داشتند امثال کسروی دشتی و باب به
وجود نمی آمدند» و می نویسید اینها خود روحانی بودند. غیر از علی دشتی آن دو نفر روحانی نبوده
اند. اگر چه احمد کسروی در ابتداء در مدارس مذهبی درس خوانده چون مدرسه دیگری وجود نداشته
است، ولی کسروی نه منبر رفته است و نه اشک کسی را گرفته است. بلکه مورخ و نویسنده توانائی
بوده است. باب هم اصلاً تاجر و تاجر زاده بوده و هیچ گاه روحانی نبوده است.

۶ - به شما توصیه می کنم کتاب «قصص العلماء» را مطالعه بفرمائید تا با موجودی به نام آخوند و
تفکرات آنان بهتر آشنا شوید. بدانید که تفکرات باب، این رادمرد بزرگ ایران، امروز در جامعه ایران
و به دست مخالفینش اجرا می شود. در حقیقت روحانیت در برابر سید باب یک شکست تاریخی خورده
است. در این زمینه در آینده می توانیم بیشتر با شما صحبت کنیم.

۷ - راجع به «یهودی و بنی اسرائیل» شما می نویسید در قرآن در چندین جای آن از قوم یهود بد گفته
شده است. باید بدانید اعراب و یهودیان هر دو یک قوم یعنی سامی و پسر عموی همدیگر هستند و به ما
که یک قوم آریائی هستیم هیچ ربطی ندارند. اختلاف بین یهودی و مسلمان را باید خود آنها حل کنند.

ضمناً باید بدانیم که اعراب هیچ گاه نسبت به ملت ما و کشور ما نظر خوبی نداشته اند. و هیچ دلیلی نیست که ما سینه چاک اعراب باشیم. شما که علاقه مند به قرآن هستید لا بد با این آیه آشنا هستید که می فرماید: «ان العراب اشد کفراً». ضمناً درباره اهل تشیع هم آیاتی نازل شده که بهتر است مطالعه بفرمائید (سوره روم آیه ۳۱): «و لا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعياً!» یعنی نباشید از بت پرستان، آنها ئی که در دین خود فرقه به وجود آورده اند و شیعه هستند! و در آیه ۱۵۹ از سوره الانعام خداوند به پیغمبر امر می کند که تو با شیعه کاری نداشته باش: «و الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعياً لست منهن في شيء»

۸ - شما نوشته اید: «این مطلب را ۱۰۰۰ بار شنیده ام» حتماً به این جهت که یک بار هم جواب نداده اید مجبور شده اند تکرار کنند.

۹ - راجع به حدیث. بنده هیچ اعتقادی به حدیث ندارم و از حدود بیس از دو میلیون حدیث که نقل کرده اند شاید با تردید بتوان به حد اکثر صد عدد از آنها اعتماد کرد.

۱۰ - راجع به مطلب شما «از بهائیت بگوئید با قرآن و انجیل کاری نداشته باشید». این استدلال قدیمی دوستان حجتیه برای فرار از بحث بوده است. شما تا معیار خودتان را معرفی نکنید هیچ بحثی با شما به نتیجه نخواهد رسید. شما باید بگوئید از چه زاویه ای و یا از چه دیدی با بهائیان مخالفید. شما گویا حساب خودتان را از اسلام و روحانیون جدا کرده اید. پس معیار اعتقادی شما چیست و از چه چیزی در برابر بهائیت دفاع می کنید؟ آیا معتقد نیستید که چنین ایرادهائی که به بهائیت می گیرید معادل آن بلکه شدید تر از آن در اسلام هم وجود دارد؟

۱۱ - راجع به وطن پرستی: مطمئناً بهائیان از همه گروه ها وطن پرست تر هستند. آنها ایران را تا حد پرستش دوست می دارند. شما بهائیان را مزدور وطن فروش می نامید. ولی برای این ادعا کوچک ترین مدرکی ندارید. آیا وطن فروش آنهایی نیستند که منافع ملی ما را فدای اعراب می کنند؟ شما سری به سایت او هام زدائی بزنید. مقالات را بخوانید و ببینید که با استناد به مدارک تاریخی کدام گروه بوده اند که به منافع ملی ما خیانت کرده اند.

۱۲ - شما در موحد بودن بهائیان شک کرده اید. اگر یک گروه مذهبی موحد باشد در حقیقت بهائیان هستند. شما که همه ائمه و امام زاده ها را شریک خدا می دانید و از آنها طلب شفا و آمرزش می کنید. در حالی که بهائیان به هیچ یک از این مسائل اعتقادی ندارند و فقط به پروردگار خالق جهان اعتقاد دارند.

برای ختم این بحث به جمله ای از عین القضاة همدانی اشاره می کنم: «آنچه با شمشیر حاکم گردد جز در نادرستی به کار نیاید. درختی که با خون آب یاری شود باغبان را میوه ای جز مرگ نخواهد بخشید.»

امید است که به معنای این جمله عین القضاة بیشتر توجه کنید. راه دوستی بجوئید و دست از دشمنی، کینه جوئی و تهمت و افترا بدون دلیل و مدرک بردارید.

سهراب نیکو صفت، ۲۶ اکتبر ۲۰۰۷



سلام جناب نیکو صفت.

در ابتدا از ایمیلتون و توجه شما به چشم انداز جوان تشکر میکنم.

خدمت شما عرض کنم ما نه قصد داریم عده ای گمراه را بازگردانیم و نه کسی را به اسلام ناب محمدی تشویق کنیم. شما در کجای وبلاگ ما تبلیغ اسلام و قرآن دیدید که فکر کردید ما قصد داریم عده ای منحرف را مثلا به قول شما به راه راست هدایت کنیم؟! ! مطمئن باشید که درد دین نداریم. البته به آن معنی که شما برداشت کرده اید. قصد و نیت ما اینجا اطلاع رسانی به فارسی زبانان سراسر عالم در زمینه یک فرقه منحرف است و اطلاع رسانی به کسانی که بی طرف در این زمینه تحقیقاتی دارند.

اما در زمینه اینکه فرموده بودید که اوهم زدایی وابسته به بهائیت نیست باید عرض کنم نظر ما غیر از این است. شما اگر وابسته به بهائیت نیستید چرا سنگ این فرقه اسرائیلی ضد ایرانی و ضد اسلامی و ضد همه ارزش ها رو به سینه میزنید؟! ؟ حمایت از بهائیت چه معنایی به جز بهائی بودن میتواند داشته باشد. جالب است که برخی بهائیان با عنوان اینکه ما لائیکیم و برخی دیگر مثل شما با عنوان اوهم زدایی دست به تبلیغ مرام باطل میزنند.

نکته بعدی اینکه چرا دانا میگویید شما و روحانیون؟! از کجا متوجه شدید که ما همفکر و هم عقیده روحانیون هستیم؟! از کجا مطمئن نیستید که خلاف این مطلب صادق باشد. نظر واقعی چشم انداز رو در زمینه روحانیت امروزه بشنوید. اگر روحانیون عقل سلیم و وسعت دید داشتند که جامعه ما دچار ویروسی به اسم بهائیت نمیشد. اصلا مگر دشتی و احمد کسروی و علی محمد باب که بودند؟ هر سه روحانی بودند. روحانیون امروزه دشمنان اصلی و قسم خورده این آب و خاک را وا گذاشته و خرچسب دشمن یا دشمنان خیالی شده اند. کاش این طور که شما گفتید روحانیون بر ضد بهائیت حرکت یکپارچه و درستی انجام میدادند. در قرآن که شما هم میفرمایید قبولش دارید بیش از ۴۰ بار آمده که یهود و بنی اسرائیل دشمنان اصلی مسلمانان هستند. حتما این مطلب را میدانستید. ولی روحانیت محترم اشتباهی گرفته اند.

من شاید بیش از ۵ سال است که در اینترنت با بهائیان از طریق چت و ایمیل در ارتباط هستم. ایراد گیری های شما به قرآن و بعد ذکر این مطلب که کار ما سنگ اندازی به همه موحدین است باز مطلبی است که شاید دفعه هزارم است که از زبان یک دوست بهائی میشونم.

شاید دانش وسیعی در شبهات وارده به قرآن و حدیث داشته باشید. ولی روانشناس خوبی نیستید. احادیثی که می فرمایید را با سند و مدرک و ذکر ماخذ کتاب بفرمایید تا کاشف به عمل آید که آیا جزء احادیث درست هستند یا بی سند و مدرک. بعد بحث ما اصلا نه قرآن است نه حدیث و نه تورات و نه ... وقتی از بیان و اقدس میگوییم فقط از بیان و اقدس بگویید.

بهائی هستید یا نیستید فرقی نمیکند. در وبلاگ وقتی اظهار نظر میفرمایید ما از بهائیت گفتیم و شما هم از بهائیت بگویید. به قرآن و انجیل هم کاری نداشته باشید که دست بردن به این کتب به جز رسوایی بیشتر برای بهائیت ثمری ندارد.

نکته بعدی اینکه اگر ذره ای به من ثابت میشد که این آئین وطن فروش مزدور کمی عرق ملی دارند و حس وطن پرستی قطعاً چنین وبلاگی و سایتی بر علیه بهائیت تنظیم و تهیه نمیدیدیم. اشتباهی بعدی شما اینکه بهائیت رو جزء موحدین میدانید.

کلام آخر

ما هم اهل جدل و بحث نیستیم. اصلا جدل و بحث هر دو سرش شکست است. چه شما ما را منکوب کنید و چه ما شما را. ولی همانطور که گفتید ما هم دقیقا موافق تبادل نظر هستیم. ولی شما در ابتدا مواضع و مبانی فکری خودتون رو مشخص کنید تا بعد بر سر تبادل نظر درآییم. ضمنا باز تاکید میکنم ما نه مدافع روحانیت هستیم و نه مدافع حکومت فعلی ایران. ضمنا معتقدیم که برخی خرافات وارد دین شده که امروزه مورد حمایت حکومت افراطی ما در ایران است. **پست ترین ادیان از بی دینی بهتر است** موفق باشید.